

و خداوند آیات [تشریحی] خود را بروشنی برای مردم تشریح می کند تا مگر پند گرفته متذکر شوند.



﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾
(۲۲۲)

تو را می پرسند [ای رسول ما] از حیض [عادت خونریزی ماهانه زنان] بگو: آن آزار و رنجی است. پس زنان را در دوران خونریزی کناره گیرید و با ایشان نزدیکی [آمیزش] نکنید، تا پاک شوند. سپس چون پاکیزه شدند از جهتی که شما را خدای فرمان داده وارد و همبستر شوید، تحقیقاً خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد.

﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مَلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (۲۲۳).

زنان شما کشتزار شما هستند، هر زمان خواهید به کشت کار خود وارد شوید [مباشرت و آمیزش کنید] و برای خود پیش فرستید و خدایا به پرهیزید. و بدانید که تحقیقاً شما دیدار [ثواب و عقاب] او خواهید نمود و مردم با ایمان را نوید و مرزده بخش.

لغت

«محيض»: مصدر «حاض يحيض، حيضاً و محيضاً»، به معنای خون روی از زهدان و جهاز تناسلی زن در ایام عادت ماهانه.

«اذى»: آزار، اذیت، رنج، افت، ناخوشی، رنجوری، تالم.

«اعتزال»: کناره جوئی، دوری گزیدن، امتناع از همبستری و آمیزش با زن.

«قرب»: نزدیکی، نزدیکی کردن، مباشرت با زن.

«طهر و طهارت»: پاکی، پاکیزگی، منقطع شدن حیض، غسل نمودن پس از انقطاع



خونروی ماهانه زن .

«اتیان»: از اتی یاتی، که مصادر دیگری چون: آتياً و اتيانة و آتياً و آتياً، دارد؛ به معانی متعدد آمده، من جمله «اتی الامر» یعنی: کار را انجام داد، «اتی علیه الدهر» یعنی: روزگار او را هلاکت کرد، «اتی المرأة» با زن همبستری کرد، که در آیه معنای اخیر مورد نظر است .

«حرث»: کشت، کشتکار، کشت زار .

آیه قبل حاکی از منع ازدواج با زنان و مردان مشرک بود . و در این آیه دستور منع آمیزش و آرمیدن با زنان در دوران حیض [است]

[اشاره به شأن نزول آیه]

گویند: در زمان جاهلیت یهود و مشرکین را رسم چنین بود: که از زنان در هنگام حیض به شدت ابراز تنفر و کناره جوئی کرده، به حدی که در سر یک سفره با ایشان حاضر و هم غذا نمی شدند .

و به عکس ترسایان را از آمیزش و همبستری با زنان در جریان عادت ماهانه ابا و امتناعی نبود . این معنی به وسیله ابوالدهداء صحابی، مورد پرسش از رسول اکرم قرار گرفت، از جانب خدا پاسخ رسید که :

﴿وَسأَلونكَ عَنِ الْمَحِيضِ﴾ (۲۲۲) .

تو را از عادت ماهانه زنان می پرسند . یعنی: از حکم آرمیدن و همبستری با ایشان .

﴿قُلْ هُوَ آذَى﴾ .

بگو: آن حالت ماهانه آزار و رنجوری است . یا آزار دهنده و موذی است . چه زن را در این ایام از آمیزش با مرد تنفر طبعی است .

[حکم فقهی مباشرت با زنان در ایام عادت]

وانگهی از نظر بهداشتی و نظافت، چون محیط جهاز تناسلی زن در این موقع مستعد آلودگی به انواع میکروبها و در واقع جایگاه کشت مناسبی برای رشد آنها است



خونروی ماهانه زن .

«اتیان»: از اتی یاتی، که مصادر دیگری چون: آتیاً و اتیانة و آتیاً و آتیاً، دارد؛ به معانی متعدد آمده، من جمله «اتی الامر» یعنی: کار را انجام داد، «اتی علیه الدهر» یعنی: روزگار او را هلاکت کرد، «اتی المرأة» با زن همبستری کرد، که در آیه معنای اخیر مورد نظر است .

«حرث»: کشت، کشتکار، کشت زار .

آیه قبل حاکی از منع ازدواج با زنان و مردان مشرک بود . و در این آیه دستور منع آمیزش و آرمیدن با زنان در دوران حیض [است]

[اشاره به شان نزول آیه]

گویند: در زمان جاهلیت یهود و مشرکین را رسم چنین بود: که از زنان در هنگام حیض به شدت ابراز تنفر و کناره جوئی کرده، به حدی که در سر یک سفره با ایشان حاضر و هم غذا نمی شدند .

و به عکس ترسایان را از آمیزش و همبستری با زنان در جریان عادت ماهانه ابا و امتناعی نبود . این معنی به وسیله ابوالدهداء صحابی، مورد پرسش از رسول اکرم قرار گرفت، از جانب خدا پاسخ رسید که :

﴿وَسأَلونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ﴾ (۲۲۲) .

تو را از عادت ماهانه زنان می پرسند . یعنی: از حکم آرمیدن و همبستری با ایشان .

﴿قُلْ هُوَ اذی﴾ .

بگو: آن حالت ماهانه آزار و رنجوری است . یا آزار دهنده و موذی است . چه زن را در این ایام از آمیزش با مرد تنفر طبعی است .

[حکم فقهی مباشرت با زنان در ایام عادت]

وانگهی از نظر بهداشتی و نظافت، چون محیط جهاز تناسلی زن در این موقع مستعد آلودگی به انواع میکروبها و در واقع جایگاه کشت مناسبی برای رشد آنها است



در نتیجه عوارض گوناگونی را از جهت بیماریها ممکن است به وجود آورد و سرانجام منجر به بسته شدن لوله های تخمدان و موجب عقیمی در زن و یا عفونت از طریق مسیر در مرد راه یافته و میکروب به مثانه سرایت و آثار شومی را در دستگاه ادراری و تناسلی مرد موجب می شود و نیز چه بسا آثار روانی نامطلوب دیگری را در طرفین ایجاد کرده که عاملی است برای از هم پاشیدن کانون خانواده، لذا فرمود:

﴿فاعتزلوا النساء فی المحيض ولا تقربوهن حتی یطهرن﴾ .

زنان را در دوران رگل کناره گیرید و از نزدیکی و آرمیدن با ایشان خودداری کنید، تا پاک شوند.

یعنی: از دوران قاعدگی خارج و خونریزی ماهانه ایشان متوقف شود و با شست و شوی موضع و انجام غسل خویشتن را پاک و پاکیزه کنند و به اصطلاح در حالت طهر قرار گیرند.

﴿فإذا تطهرن﴾

پس آن گاه که پاکیزه شدند و به دوران پاکی در آمدند:

﴿فاتوهن من حیث امرکم الله﴾

با آنان بیارمید، از جهتی که خدای شما را فرمان داده.

از ابن عباس نقل است که گفت: «از همان جهتی که خداوند شما را امر به دوری کرد از همان جهت اجازه همبستری فرمود». ^۱ که کنایه از شرم زن باشد، زیرا در دوران حیض به اعتزال و کناره گیری از آمیزش دستور داد و لذا، از همان جهت پس از پاکی اتیان و آرمیدن با زن را روا دانست. و پیداست که مطلب به صورت کنایه و رعایت ادب بیان گردیده.

برخی گفته اند: منظور از جهتی که خدا امر فرموده؛ یعنی: مثلاً در حالت حیض یا

۱. و فيه، أيضا: أخرج ابن جرير و ابن أبي حاتم عن سعيد بن جبیر، قال: بینا أنا و مجاهد جالسان عند ابن عباس - إذ أتاه رجل فقال: أ لا تشفیني من آية المحيض؟ قال: بلی فقرأ: ﴿و یستلونک عن المحيض﴾ - إلى قوله: ﴿فاتوهن من حیث امرکم الله﴾ فقال: ابن عباس: من حیث جاء الدم - من ثم أمرت أن تأتي فقال: کیف بالآية ﴿نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم ائی شتتم﴾؟ فقال: أي، و یحک، و فی الدبر من حرث؟ لو کان ما تقول حقا کان المحيض منسوخا - إذا شغل من هاهنا جئت من هاهنا، و لکن ائی شتتم من اللیل و النهار. تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۲۲۱.



احرام نباشد، بلکه در موارد و اوقاتی که جواز همبستری هست، یا از طریق و جهتی که شما را به خواستن و داشتن فرزند دستور داده است. ^۱ بنابراین احتمال قوی در آنست که لفظ ﴿حيث﴾ جهت مکانی را مفهوم باشد، نه زمانی و منظور شرم زن باشد نه نشیمن.

آری در تهذیب شیخ طوسی از حضرت ابی عبداللہ رضی اللہ عنہ نقل است که:

راوی می پرسد: آیا مرد می تواند از نشیمن زن همبستر شود، حضرت فرمود: «لا بأس اذا رضیت» هنگامی که زن را رضایت حاصل است باک و اشکالی نیست. [و لذا، برخی از فقهاء با کراهت، فتوی به جواز داده اند. و بدیهی است این فتوی موجبه جزئیة بوده و آیا تمامی فقهاء قائل به جواز باشند یا نه مورد اختلاف است]. راوی گوید: گفتم پس دستور خداوند درباره: ﴿فاتوهن من حيث امرکم اللہ﴾ چه مفهومی دارد؟ [که ظاهراً پرسش راوی مفهوم جواز آمیزش از شرم زن است نه نشیمن. ^۲

ولی باید دانست که فرموده امام را با این معنی در این آیه تنافی نیست؛ چه در دنباله حدیث دارد که حضرت فرمود: [«هذا في طلب الولد فاطلبوا الولد من حيث امرکم اللہ»]. آیه در طلب و خواستن فرزند است و لذا از جهتی که خدای شما امر فرموده وارد و همبستر شوید. پیداست که فرمان و تجویز همبستری از طریق طبیعی و متعارف انسانی است نه در جهت انحرافی و غیر عادی. و در پایان یادآوری فرمود که:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ (۲۲۲).

خداوند توبه کنندگان را دوستمی دارد و پاکیزگان را نیز.

یعنی: آنها که به اشتباه، یا روی هوای نفس به کاری ناروا اقدام نموده، یا در ایام حیض با زن مباشرت کرده، یا با انحراف در همبستری به کار زشت خویشتن را آلوده کرده اند، هنگامی که بازگشت به خداوند نموده و عزم راسخ بر ترك گناه و معصیت

۱. تفسیر التبیان، ج ۲، ص ۲۲۲؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۷.

۲. أحمد بن محمد بن عیسی عن علی بن أسباط عن محمد ابن حمران عن عبد الله بن أبي يعفور قال: «سألت أبا عبد الله رضی اللہ عنہ عن الرجل يأتي المرأة في دبرها قال: لا بأس إذا رضیت، قلت: فأین قول الله عز وجل: ﴿فاتوهن من حيث امرکم اللہ﴾؟ قال: هذا في طلب الولد فاطلبوا الولد من حيث امرکم اللہ ان الله تعالى يقول: ﴿نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شتتم﴾». تهذیب الأحكام شیخ للطوسی، ج ۷، ص ۴۱۴، ح ۲۹.

گیرند، خداوند کریم نه تنها پذیرنده توبه است بلکه آنان را مورد رأفت و محبت قرار داده و به طور کلی توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می‌دارد، آنها که به درگاه الهی رو آورده طلب آمرزش می‌کنند و با شست و شوی تن و روان از لوث هر گناه و کثافت ظاهری خویش را صفا و جلا می‌دهند.

و در شان نزول توابین و متطهرین گفته‌اند که:

قبل از نزول آیه مردم غالباً پس از دفع مزاج و انجام توالی خویش را با سنگ و پارچه تطهیر می‌نمودند؛ و چون قوت بیشتر افراد با بسری یعنی: خرمای نارس و کال توام بود نوعاً دچار سختی دفع و قبوضت مزاج می‌بودند، تا روزی یکی از انصار خوراکی از کدو تناول کرد او را لینت مزاج عارض گشت و خویش را نتوانست با پارچه تطهیر کند، از شست و شوی با آب استفاده کرد و این آیه نازل گشت، رسول اکرم ﷺ او را احضار و فرمود: چه کار تازه‌ای کرده‌ای؟ که موجب نزول آیه گردیده، او با ترس و بیم عرض کرد: که به چنین عملی مبادرت کرده‌ام، حضرت فرمود: مژده باد تو را، که کردارت مورد تمجید و تقدیر خداوند قرار گرفته.^۱

از روایتی دیگر مستفاد است سبب نزول: «مبادرت شخص حضرت به شست و شو و تطهیر با آب بوده است».^۲ بدیهی است روایات و شان نزول‌ها در واقع بیان مصادیقی است و آیه در جهت تعمیم به قوت خود باقی است. و معنای وسیعی از آن ممکن است مورد اراده خداوند بوده باشد؛ به هر حال صدر آیه را با ذیل ارتباط کاملاً روشن و

۱. عن أبي خديجة عن أبي عبد الله ﷺ قال: «كانوا يستنجون بثلاثة أحجار لأنهم كانوا يأكلون البسر وكانوا يبعرون بعرا فأكل رجل من الأنصار الدباء فلان بطنه واستنحى بالماء فبعث إليه النبي ﷺ قال: فجاء الرجل وهو خائف أن يكون قد نزل فيه امر فيسوته في استنجائه بالماء قال: فقال رسول الله: هل عملت في يومك هذا شيئاً؟ فقال: نعم يا رسول الله اني والله ما حملني على الاستنجاء بالماء الا اني اكلت طعاما فلان بطني، فلم تغن عني الحجارة شيئاً فاستنجيت بالماء، فقال رسول الله ﷺ: هنيئا لك فان الله قد أنزل فيك آية ﴿ان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين﴾ فكنت أول من صنع ذا أول التوابين وأول المتطهرين». تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۰۹ - ۱۱۰، ح ۳۲۸؛ تفسير الصافي، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲. عن جميل قال: «سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: كان الناس يستنجون بالحجارة والكرسف ثم أحدث الوضوء وهو خلق حسن فأمر به رسول الله ﷺ [وَصْنَعَهُ] وَأَنْزَلَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ ﴿ان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين﴾». مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۷۷ ح ۵۹۳-۲؛ تفسير البرهان، ج ۴، ص ۲۱۵، ح ۹/۱۱۵۱؛ تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۳۲۶.





تناسب محفوظ است .

باری پس از بیان حکم در آیه مورد بحث بیداری می دهد که :

﴿نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم﴾ (۲۲۳) .

زنان شما کشتزار شما هستند، پس در کشتزار خود بیارمید هر زمان که بخواهند .
یعنی : می توانید در هر وقت که بخواهید دانه افشانید و بذر پاشید؛ پس وارد کشتزار خود شوید هر گاه که شما راخواست و اراده ای باشد . شاید بتوان گفت : این آیه از جهتی مبین قسمتی از مضمون آیه قبل است که فرمود :

﴿فاتوهن من حیث امرکم الله﴾ (۲۲۲) .

از راهی وارد شوید که خدا به شما فرمان داده . که همان شرم زن باشد نه نشیمن و از طرفی پیداست که تخم افشانی و تولید نسل تنها به وسیله زهدان و دستگاه تناسلی زن یعنی : قُبُل صورت و تحقق می پذیرد نه دُبُر . و کلمه «انّی» به حسب روایت وارده زمانی است نه مکانی ، یعنی : هر وقت که مایل باشید لذا جواز وطی در دُبُر مورد استفاده نیست ؛ به ویژه که مناسبت حرث همان قُبُل است .

از علی بن ابراهیم قمی از امام صادق علیه السلام است که فرمود : «انی شئتم ای متی شئتم فی الفرج» یعنی : در شرم زن هر زمان که بخواهید بیارمید .^۱ و در لغت اطلاق فرج به قُبُل است نه دُبُر .

و روایتی دیگر به همین مضامین از امام باقر علیه السلام آمده است که مؤید همین معنا است .^۲
و نیز از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام است که ، فرمود : «انی شئتم ای ، ای ساعة شئتم» .^۳

در حدیثی دیگری است : «فاتوا من قدامها و من خلفها فی القبل» . در شرم زن از

۱ . و قال الصادق علیه السلام ﴿انی شئتم﴾ ای متی شئتم فی الفرج . تفسیر القمی ، ج ۱ ، ص ۷۳ .

۲ . عن زرارة ، عن ابی جعفر علیه السلام ، قال : «سألته عن قول الله تعالی : ﴿نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم﴾ . قال : من قبل» . تفسیر العیاشی ، ج ۱ ، ص ۱۱۱ ح ۳۳۴ ؛ تفسیر البرهان ، ج ۱ ، ص ۴۶۵ ، ح ۱۷/۱۱۵۹ .

۳ . عن ابی بصیر ، عن ابی عبد الله علیه السلام ، قال : «سألته عن الرجل یأتي أهله فی دبرها ، فکره ذلك ، و قال : و یاکم و محاشی النساء . و قال : إنما معنی : ﴿نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم﴾ ای ساعة شئتم . تفسیر العیاشی ، ج ۱ ، ص ۱۱۱ ، ح ۳۳۵ ؛ تفسیر البرهان ، ج ۱ ، ص ۴۶۶ ، ح ۱۸/۱۱۶۰ .

جلو و پشتش بیارمید. ^۱ که باز جواز در قبل است.

﴿وقدموا لانفسكم واتقوا الله﴾ (۲۲۲).

و پیش فرستید از برای خودتان و پرهیزید خدای را.

یعنی: کردار نیکو و رفتار پسندیده برای فرجام و سرای آخرت پیشاپیش بفرستید و در واقع به آینده خود فکر کنید و تدبیرات شایسته و با ارزش داشته باشید، که عبارت از فرمان پذیری حق و انجام طاعات الهی است. و از ارتکاب گناهان پرهیزید و روح را با حرام و معصیت آلوده نکنید، تا به عذاب و خواری دنیا و آخرت دچار نشوید.

برخی گفته‌اند: غرض از پیش فرستادن برای خویش فرزند صالح است و مناسب مقام این که دنیا نیز، در حقیقت کشتزاری است برای آخرت چنان که زنان برای فرزندان. ^۲ ولی شایسته است که تعمیم قائل شد تا کلام مورد نظر، همه اعمال صالحه را شامل شود.

﴿واعلموا انکم ملاقوه وبشر المؤمنین﴾ (۲۲۲).

و بدانید تحقیقاً که شما خدا را [در کيفر و پاداش] دیدار خواهید نمود و مردم با ایمان را نوید و مژده بخش.

[در بیان چگونگی ملاقات با خدا در قیامت]

سخن از چگونگی لقاء خداوند به سرای دیگر - که عبارت از رسیدن به ثواب و عقاب الهی است - قبلاً گذشت. در این جا پروردگار به وسیله نبی اکرم مردم را مورد تهدید و تبشیر قرار می‌دهد، تا آنان که مرتکب معصیت می‌شوند به خود آمده دست از گناه و زشتی بشویند و به سوی پروردگار توبه و انابه کرده جبران مافات بنمایند. و آنها که فرمان و طاعت حق می‌برند - با استمداد از توفیقات الهی و سپاس و نیایش به درگاه ربوبی - به وعده‌های خداوند نسبت به سرای دیگر خوشنود و امیدوار شوند.

۱. عن صفوان بن يحيى، عن بعض أصحابنا، قال: «سالت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿نساؤكم حرث لكم فاتوا حرثكم أئى شئتم﴾. فقال: من قدامها و من خلفها، في القبل». تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱۱ ح ۳۳۲؛ تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۱۵/۱۱۵۷.
۲. انوار التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۰؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۶۵.





و اینک حدیثی چند:

۱. در تفسیر عیاشی از زراره از امام باقر علیه السلام است که گفت:
از حضرتش در مورد ﴿نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شتم﴾ پرسیدم
فرمود از جلو یعنی: شرم زن.^۱

۲. در همان تفسیر از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام است که گفت:
«از حضرت نسبت به مردی که با همسرش از نشیمن همبستر شود و زن را این
عمل ناخوش آیند باشد، پرسش کردم فرمود: بر حذر و دور باشید از آرمیدن با
دُبر زنان. و فرمود: همانا معنی زنان شما کشتزار شما هستند پس بیارمید کشتزار
خود را هر زمان که بخواهید.»^۲

یعنی: هر ساعتی که مایل باشید. بنابراین حدیث، کلمه «انّی» زمانی است نه مکانی
و دستور، دوری و احتراز از نزدیکی با دُبر زن است.

﴿ولا تجعلوا الله عرضة لایمانکم ان تبرؤا وتتقوا وتصلحوا بین الناس والله سمیع
علیم﴾ (۲۲۴)

خدای را در معرض و دست آویز برای سوگندهایتان قرار ندهید، به این که نیکی به
کار خواهید برد و پرهیزکاری پیشه می کنید و میان مردم به سازش و سامان بخشی
اقدام خواهید نمود و خداوند شنوای دانا است.

﴿لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم ولكن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم والله غفور
حلیم﴾ (۲۲۵).

خداوند شما را به سوگندهای بیهوده نمی گیرد [مؤاخذه و عقاب نمی کند] ولیکن
شما را نسبت به آنچه که دلهایتان فراهم نمود و به کار بست [به کیفر] خواهد گرفت.

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱۱ ح ۳۳۴.

۲. همان، ح ۳۳۵.